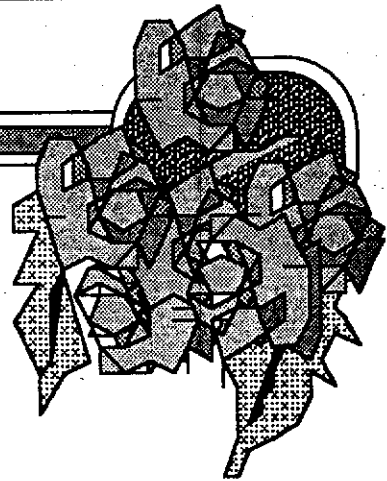


شرح مواقف



بهاءالدین خرمشاهی

مایه خوشوقتی است که اخیراً به پیشنهاد بعضی از فضلا، مؤسسه منشورات الرضی در قم، شرح مواقف، یکی از امهات متون کلامی اسلامی را از روی بهترین تصحیح و طبع آن، که در اصل هشت جلدی است، در چهار مجلد به بهترین وجهی، با استفاده از شیوه افست، تجدید طبع کرده و با کاغذ و صحافی و تجلید خوب، در یک هزار و پنجاه نسخه انتشار داده است.

مواقف، در اصل، یعنی متن مجرد از شرح آن- که مستقل هم به طبع رسیده است-، اثری است در یک مجلد، تقریباً یک چهارم همین شرح مواقف، و تألیف یکی از برجسته ترین علمای اهل سنت (اشعری مذهب) ایران، در قرن هشتم هجری، به نام قاضی عضد ایجی است.

حافظ در قطعه ای که در طبع قزوینی و همه طبعهای معتبر دیوانش درج شده است، به پنج تن از بزرگان علمی و فرهنگی فارس در عصر شاه شیخ ابواسحاق اینجو که حامی و مشوق بسیاری از اهل علم بوده اشاره

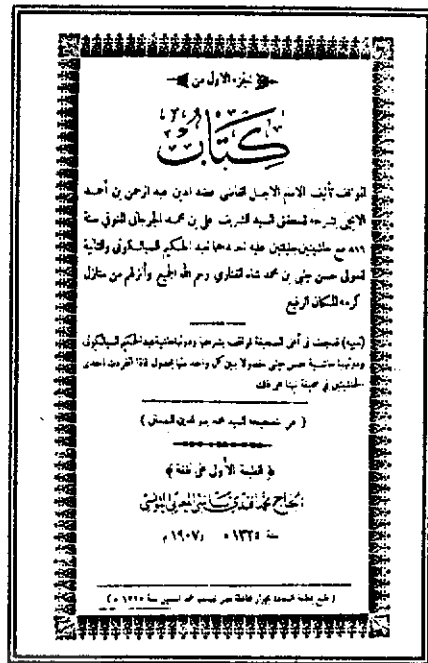
می کند:

به عهد سلطنت شاه شیخ ابواسحاق
به پنج شخص عجب ملک فارس بود آباد

.....

اگر شهنشاه دانش عضد که در تصنیف
بنای کار مواقف به نام شاه نهاد

نظر به ذهن فلسفی و طبع کلامی حافظ، می توان قول آربری، فان اس، و شادروان معین را پذیرفت که می گویند به احتمال بسیار، حافظ محضر درس و بحث قاضی عضد را درک کرده بوده است. حمدالله مستوفی- که معاصر قاضی عضد بوده است- در تاریخ گزیده با احترام شایان از او یاد کرده است: «مولانا عضدالدین عبدالرحمن بن رکن الدین احمد البکری الشبانکاری، در حیات است و استاد علماء زمان و در جمیع علوم به حد کمال ... از رسول صلی الله علیه و سلم، مروی است که در دین اسلام بر سر هر صدسال، عالمی خیزد که وجود او سبب رواج کار دین اسلام باشد و



برخوردار شد. رشیدالدین ابتدا او را به استادی در سگاهی که در اردوهای اولجایتو برقرار می شد، منصوب کرد. ولی می توان حدس زد که چون اولجایتو در سال ۷۱۰ق به مذهب تشیع گرائید، نمی خواست و نمی توانست اشعری راسخ العقیده ای چون قاضی عضد را به خود نزدیک کند. پس از قتل خواجه رشید وزیر در سال ۷۱۸ق، به فرزند او خواجه غیاث الدین محمد رشیدی که به وزارت سلطان ابو سعید ایلخانی رسیده بود، نزدیک و از حمایت و تشویق او برخوردار شد. و در عهد ابوسعید به منصب قاضی القضاتی کل ایران منصوب گردید. پس از انقراض سلسله ایلخانان در ۷۳۶ق به شیراز رفت و این بار به دستگاه و دربار شاه شیخ ابواسحاق، ممدوح حافظ و رقیب امیر مبارز الدین، مؤسس سلسله آل مظفر، نزدیک شد.

شاه شیخ ابواسحاق اینجو (۷۲۱-۷۵۷ق) فرزند شرف الدین محمود شاه آخرین پادشاه سلسله اینجوست. او در فارس و شیراز و اصفهان و بعضی نواحی دیگر سلطنت داشت. مورخان او را به فرهنگدوستی و فرهنگپروری ستوده اند. خواجه، عبید زاکانی، شمس فخری، محمدبن محمود آملی صاحب نفائس الفنون، شیخ امین الدین بلیانی عارف معروف، حافظ و قاضی عضدالدین ایجی، از نامدارترین ادبا و علمائی هستند که با دربار او پیوند داشته و از او حمایت دیده اند. رقیب عمده او امیر مبارزالدین محمد مظفری بود که سالها با یکدیگر به حال جنگ و صلح به سر برده بودند. ابواسحاق که قاضی عضد را سخت گرامی می شمرد، یک دو بار او را به قصد اصلاح ذات البین و به اصطلاح «سفارت صلح» به نزد امیر مبارزالدین فرستاد. مبارزالدین از احترام قاضی فروگذار نکرد و هدایای نقدی معتنا بهی به او و همراهانش تقدیم کرد و از فرزندش شاه شجاع

اهل جهان را استاد و رهنما بود... سپس از شش تن که به اصطلاح مجدد رأس مائة هستند- یسار می کند:

۱) عمر بن عبدالعزیز (۲) امام شافعی (۳) ابوالعباس احمد بن سربج (۴) باقلانی (۵) ابو حامد غزالی (۶) امام فخر رازی، «و در این صده هفتم لاشک وجود مبارک مولانا عضدالدین ادام الله میامن انقاسه الشریفه تواند بود. شرح اصول ابن حاجب در اصول فقه، موافق در اصول دین و فواید غیاثیه در معانی و بیان و غیر ذلک از تصانیف اوست.» (تاریخ گزیده، طبع دکتر عبدالحسین نوائی، ص ۶۹۹).

در مورد تاریخ تولد قاضی عضد، منابع اختلاف دارند، و سالهای مختلفی از سال ۶۸۰ تا ۷۰۱ را برای تاریخ تولد او یاد کرده اند. زادگاه او ایج یا ایگ پایتخت قدیم ملوک شبانکاره، در جنوب غربی اصطهبانات در فارس است. او در خانواده ای مرفه و اهل علم به دنیا آمده است. تخصص و تألیفات او در سه زمینه علوم بلاغی، اصول فقه و کلام است. در جوانی به عزم نزدیک شدن به دربار ایلخانان به تبریز رفت و از حمایت خواجه رشیدالدین فضل الله

(ممدوح معروف حافظ) خواست که او نیز در گرامیداشت قاضی بکوشد و شاه شجاع- که خود شاهزاده‌ای فاضل بود، و در علوم بلاغی و تفسیر قرآن مطالعه داشت و گاه کشاف زمخشری را مدار بحث و مباحثه (احتمالاً و از جمله با حافظ) و دیگران قرار می‌داد، و حافظ به بعضی از غزل‌های او پاسخ گفته است. فصولی چند از کتاب شرح مختصر ابن حاجب را که در اصول فقه است، و شرحش از تألیفات قاضی عضد بود، نزد او خواند و مذاکره و مباحثه کرد. اما نهایتاً وساطت قاضی نتیجه‌ای نبخشید و امیر مبارزالدین که مدعی بود ابواسحاق با او هفت- هشت بار نقض عهد کرده است، با محاصره و فتح شیراز، شاه ابواسحاق را مغلوب کرد و به تهمتی که واقعیتش معلوم نیست، او را مستوجب قصاص جلوه داد و اعدامش کرد.

قاضی عضد مواقف را به دو نفر تقدیم داشته است. ابتدا خواجه غیاث‌الدین و سپس شاه ابواسحاق که از او با عبارت «محرز ممالک الاکاسرة بالارث و الاستحقاق جمال الدنيا و الدین ابواسحاق» (شرح مواقف، ص ۳۱) نام برده است.

قبل از سقوط شیراز، قاضی عضد به ایچ و ولایت شبانکاره که جزو منطقه نفوذ امیر مبارزالدین درآمده بود، رفت. گویا با آل مظفر که به تازگی پیروز شده بودند، در نهان ساخته بود. یکی از امرای شبانکاره که هنوز به ابواسحاق وفادار بود، او را در قلعه‌ای محبوس داشت. بعضی نیز علت دستگیری او را تعصب و اختلافات مذهبی دانسته‌اند. در هر حال قاضی در ۲۱ رمضان ۷۶۵ق در حبس درگذشت.

اهم آثار او عبارتند از: (۱) آداب البحث در اصول و قواعد مباحثه؛ (۲) شرح مختصر الاصول ابن حاجب که به شرح عضدی شهر دارد. مختصر ابن حاجب

کتابی است که ابو عمرو عثمان بن عمر معروف به ابن حاجب (۵۷۰-۶۴۶ق) در اصول فقه، از کتاب دیگر خود منتهی السؤل و الامل فی علمی الاصول و الجدل تلخیص کرده است. (۳) العقائد العضدیة که دوازده روز قبل از درگذشتش در حبس نوشته شده؛ (۴) الفرائد الغیائیة به نام غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل‌الله در علم معانی و بیان؛ (۵) معروفترین و معتبرترین اثرش: المواقف السلطانیة یا المواقف فی الکلام.

دکتر فان اس، اسلام شناس آلمانی معاصر، که تخصصش در زمینه علم کلام اسلامی است، مقاله‌ای در دایرة المعارف اسلام (به انگلیسی) و مقاله دیگری در دایرة المعارف دین (به انگلیسی، ویراسته میرچالیاده) در معرفی ایجی نوشته است. در مقاله اول می‌نویسد: «آثار ایجی بی آنکه ادعای ابتکار و نوگویی در هر زمینه داشته باشد، کتب مرجع و جمع و جوری است که به قصد تدریس [به عنوان متن درسی] نوشته شده است. مردم پسندی آنها از تعداد کثیر شرح و حاشیه‌هایی که بر آنها نوشته‌اند آشکار می‌گردد... شهرت ایجی، حتی در زمان حیاتش، مبتنی بر کتاب مواقف بود که امروز هم مدار درس و بحث در رشته الهیات در دانشگاه الازهر است. این کتاب به سبک و سیاق «الخلاصة اللاهوتیة» [یعنی Summa theologica اثر قدیس توماس آکوئیناس] به زبانی فشرده و موجز یک دوره کلام اسلامی را دربر دارد و عمدتاً مبتنی بر محصل امام فخر

طوسی است (که همواره با «اقول» آغاز می گردد).

مواقف شش بخش یا مقالات بلند دارد که هر یک «موقف» نامیده می شود. هر موقعی به چند «مرصد» و مرصدها نیز به تقسیمات فرعی تری تحت عنوان «مقصد» و «مسلك» تقسیم می گردد. چهار موقف یا مقالات اول تا چهارم مواقف که نیمی از کل کتاب را تشکیل می دهد، در مسائل و مباحث فلسفی و الهیات به معنی اعم است و در موقف آخر که در الهیات و سمعیات است، الهیات به معنی اخص است. برای متمیم فایده فهرست دو موقف پنجم و ششم با مرصدهای هر یک در اینجا یاد می شود.

*

- الموقف الخامس - فی الالهیات، و فی سبعة مرصد
- المرصد الأول: فی الذات [شامل ۳ مقصد، و چندین مسلك]
- المرصد الثاني: فی تزییه تعالی [شامل ۷ مقصد]
- المرصد الثالث: فی توحید تعالی
- المرصد الرابع: فی الصفات الوجودية [شامل ۹ مقصد و چندین مسلك و مسأله]
- المرصد الخامس: فیما یجوز علیه تعالی [شامل دو مقصد - اولی در رؤیت - و چندین مقام و مسلك]
- المرصد السادس: فی افعاله تعالی [شامل ۹ مقصد]
- المرصد السابع: فی اسماء الله [شامل ۳ مقصد و نیز اسماء الله توقیفی را ذکر و شرح کرده است]
- الموقف السادس - فی السمعیات و فی مرصد
- المرصد الاول: فی النبوت و فی مقاصد [شامل ۹ مقصد و چندین مسلك]
- المرصد الثاني: فی المعاد و فی مقاصد [شامل ۱۲ مقصد]
- المرصد الثالث: فی الاسماء و الاحکام
- المرصد الرابع: فی الامامة و مباحثها و فی مقاصد

رازی (متوفی ۶۰۶ق) و ابکار الافکار سیف الدین آمدی (متوفی ۶۳۱ق) است. همچنین به کتاب نهاية العقول فی درایة الاصول امام فخر نیز نظر دارد... (دایرة المعارف اسلام، طبع دوم، ۱۰۲۳/۳).

همو در مقاله دوم می نویسد: «این کتاب تعالیم کلامی مکتب اشعری را با تعبیرات و اصطلاحات فلسفی متخذ از ابن سینا شرح می دهد.» استاد فان اس، موقف اول از کتاب مواقف را که شامل شش مرصد است، و به تعبیر خود ایشان در شناخت شناسی [بحث المعرفة، اپیستمولوژی] است به آلمانی ترجمه کرده و بر آن شرح و تعلیقات نوشته است (طبع ویسبادن، ۱۹۶۶) (دایرة المعارف دین، ویراسته الیاده، ۸۸-۸۹/۷).

نگارنده این سطور، بسیاری از فصول متن مواقف را با المحصل امام فخر رازی مقابله کرد و به این نتیجه رسید که حکم دکتر فان اس درست است و قاضی عضد مطالب بسیاری را گاه به عین عبارت، گاه به تلخیص و تصرف و افزود و کاستهائی از المحصل اتخاذ و اقتباس کرده است. گفتنی است که تلخیص المحصل که به نقد المحصل هم معروف است و به همت والای استاد عبدالله نورانی به طبع رسیده است (تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۵۹) نه تلخیص، بلکه کل کتاب المحصل امام فخر رازی است (که در این طبع بخش بخش همراه با «قال» آغاز می گردد) و همراه با نقد و نظرهای خواجه نصیرالدین

[شامل ۷ مقصد]

- خاتمه فی الامر بالمعروف و النهی عن المنکر .
- تذیبیل فی ذکر الفرق [المعتزله، الشیعه، الخوارج، المرجئه، النجاریه، الجبریه، المشبهه، الفرقة الناجیه]

*

شرح المواقف شامل یک شرح و دو حاشیه است. شرح که علی الاطلاق مهمترین و مشهورترین شرح مواقف است، از میرسید شریف جرجانی است. حاشیه اول از عبدالحکیم سیالکوتی، و حاشیه دوم اثر حسن چلبی بن محمدشاه فناری است.

میرسید شریف جرجانی (۷۴۰-۸۱۶ق) از متکلمان و حکمای حنفی مذهب و اشعری مسلک قرن هشتم هجری است. شاه شجاع در سال ۷۷۹ق او را به تدریس در شیراز مشغول ساخت. بسیار محتمل است که حافظ نیز در نزد او علوم بلاغی یا عقلی خوانده باشد. اغلب آثار فارسی یا عربی او از عصر تألیف تا عصر حاضر در حوزه های علمی سراسر جهان اسلام جزو متون مرجع و درسی است. از جمله حاشیه کشف زمخشری، حاشیه مطول، امثله، صرف میر، صغری و کبری در منطق، ترجمان القرآن (لغت نامه عربی-فارسی خاص لغات قرآن مجید) و همین شرح مواقف.

صاحب حاشیه اول، عبدالحکیم بن شمس الدین سیالکوتی از علمای نامدار هند است. متوفی به سال ۱۰۶۷ یا ۱۰۶۸ق (یا به قولی ۱۰۹۷ق). آثار او نیز مانند میرسید شریف، غالباً شرح و حاشیه است. از جمله: حاشیه تفسیر بیضاوی، حاشیه تلویح سعدالدین تفتازانی، حاشیه شرح شمسیه قطب الدین رازی، حاشیه شرح عقائد تفتازانی، حاشیه شرح عقائد عضدیه دوانی، حاشیه شرح مطالع، حاشیه مطول، و

همین حاشیه شرح مواقف.

صاحب حاشیه دوم حسن چلبی (همچنین معروف به فناری) (۸۴۰-۸۸۶ق) از علمای حنفی مذهب عثمانی است. آثار او نیز غالباً شرح و حاشیه است از جمله حاشیه بر تفسیر بیضاوی، حاشیه بر شرح تجرید العقائد، حاشیه بر تلویح تفتازانی، حاشیه بر مطول، رساله ای به فارسی در زمینه مسائل رؤیت و کلام باری، و همین حاشیه بر مواقف (رک: هدیه العارفین، ۲۸۸/۵).

طبعی که مبنای تجدید چاپ حاضر قرار گرفته است، تصحیح سید محمد بدرالدین لغسانی حلبی است که در سال ۱۳۲۵ق / ۱۹۰۷م در مطبعة السعادة مصر در ۸ مجلد انجام گرفته است. شرح میرسید شریف همراه متن است، یعنی متن مواقف داخل پرانتز، و شرح سید در خارج پرانتز به صورت مزجی است. اما حاشیه های دوگانه در پای صفحات است و هرگاه هر دو حاشیه با هم آمده باشد، اولی از سیالکوتی و دومی از حسن چلبی فناری است و هرگاه فقط یکی از آنها آمده باشد، مصصح نام صاحب حاشیه را در بالای حاشیه یاد کرده است تا خواننده همواره بداند که کدام مطلب از کیست.

تجدید طبع حاضر از نظر مسائل «حق مؤلف» نیز مشکلی دربر ندارد، زیرا بیش از ۸۵ سال از این طبع و تصحیح می گذرد. سعی ناشر (منشورات الرضی) در تجدید چاپ این اثر گرانقدر مشکور باد.